

۱۴۹۸-۴۷

آناتومی ویرانسازی انسان

(پرخاشجویی و ویرانسازی)

نوشته: لریک فروم

www.ketab.ir

ترجمه: دکتر احمد صبوری



انتشارات کتیبان

The anatomy of human destructiveness, 1992

Erich Fromm

سرشناسه	فروم، اریک، ۱۹۰۰ - ۱۹۸۰ م. Fromm, Erich
عنوان و نام پدیدآور	اناتومی ویرانسازی انسان (پرخاشجویی و ویرانسازی) / نوشته اریک فروم؛ ترجمه احمد صبوری.
مشخصات نشر	تهران: اشیان، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری	۶۴۰ ص.
شابک	978-964-7518-27-7
وضعیت فهرست نویسی	فاپا
یادداشت	The anatomy of human destructiveness, عنوان اصلی: 1992
یادداشت	واژه‌نامه.
یادداشت	کتابنامه: ص. ۱۵۹۹ - ۶۲۶
یادداشت	نمایه.
موضوع	پرخاشگری
موضوع	خشونت
شناسه افزوده	صبوری، احمد، ۱۳۲۴ - مترجم
رده بندی کنگره	۱۳۸۵ ۴ف۴ پ ۵۷۵BF
رده بندی دیویی	۱۵۵/۲۳۲
شماره کتابشناسی ملی	۸۴-۳۹۹۵۹م

www.ketab.ir

انتشارات اشیان

آناتومی ویرانسازی انسان

اریک فروم

احمد صبوری

صفحه‌آرایی: ابراهیم توکلی

طراحی جلد: سارا حسن‌پور

چاپ ششم: ۱۴۰۰

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۴۰۰۰۰ تومان

مرکز فروش: خیابان انقلاب، خیابان فخر رازی، کوچه فاتحی داریان، پلاک ۵، طبقه اول

تلفن: ۶۶۹۷۲۷۹۲ ۰۹۱۲۱۳۹۹۶۲۵

Ashian2002@yahoo.com

ISBN: 978-964-7518-27-7

شابک: ۷-۲۷-۷۵۱۸-۹۶۴-۹۷۸

تمامی حقوق این اثر محفوظ می‌باشد. تکثیر یا تولید مجدد آن به صورت کلی و جزئی و به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و نشر الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار.....
۱۵	واژه شناسی.....
۱۹	مقدمه.....
۱۹	غریزه و شور انسانی.....
۳۱	بخش اول: غریزه، رفتار، روان‌کاوی.....
۳۳	۱. غریزه‌گرایان - غریزه‌گرایان پیشین.....
۳۵	غریزه‌گرایان نوین: زیگموند فروید و کنراد لورنز.....
۳۵	مفهوم فرویدی پرخاشجویی.....
۳۷	نظریه‌ی پرخاشجویی لورنز.....
۴۱	فروید و لورنز: شباهت‌ها و تفاوت‌هایشان.....
۴۲	«دلیل» تمثیلی.....
۵۰	نتیجه‌گیری‌هایی درباره‌ی جنگ.....
۵۴	بت‌پرستی تکامل.....
۵۷	۲. حیطه‌گرایان و رفتارگرایان.....
۵۷	محیط‌گرایی در عصر روشنگری.....
۵۷	رفتارگرایی.....
۵۸	نو - رفتارگرایی اسکینر.....
۵۹	هدفها و ارزش‌ها.....
۶۶	دلایل وجاهت مکتب اسکینر.....
۶۷	رفتارگرایی و پرخاشجویی.....
۷۱	درباره‌ی آزمایش‌های روان‌شناختی.....
۹۹	نظریه‌ی بی‌کامی - پرخاشجویی.....
۱۰۲	۳: غریزه‌گرایی و رفتارگرایی: تفاوت‌ها و شباهت‌هایشان.....
۱۰۲	زمینه‌ای مشترک.....
۱۰۵	نظریات تازه‌تر.....
۱۰۸	زمینه‌های سیاسی و اجتماعی هر دو نظریه.....
۱۱۲	۴: رویکرد روان‌کاوی برای درک پرخاشجویی.....
۱۲۰	جمع بندی کنیم.....

۱۲۳	بخش دوم: بطلان غریزه باوری.....
۱۲۵	۱. فیزیولوژی اعصاب.....
۱۲۵	رابطه‌ی روان‌شناسی با فیزیولوژی اعصاب.....
۱۳۰	مغز به عنوان اساس رفتار پرخاشگرانه.....
۱۳۲	کارکرد دفاعی پرخاشجویی.....
۱۳۴	غریزه‌ی دگریزه.....
۱۳۵	شکارگری و پرخاشجویی.....
۱۳۹	۲. رفتار جانوری.....
۱۴۰	پرخاشجویی در اسارت.....
۱۴۵	پرخاشجویی انسانی و ازدحام.....
۱۴۸	پرخاشجویی در وحش - بوم.....
۱۵۴	سرزمین‌گرایی و مهتری.....
۱۵۹	پرخاشجویی در میان دیگر پستانداران.....
۱۶۱	آیا انسان مهابری برای گشتارگری دارد؟.....
۱۶۵	۳. دیرین‌شناسی.....
۱۶۵	آیا انسان نوعی واحد است؟.....
۱۶۶	آیا انسان جانوری شکارگر است؟.....
۱۷۱	۴. انسان‌شناسی.....
۱۷۱	«انسان شکارچی» - آدم انسان شناختی؟.....
۱۷۹	پرخاشجویی و شکارچیان نخستین.....
۱۹۱	شکارچیان ابتدایی - جامعه‌ی فراوانی؟.....
۱۹۳	جنگ‌های نخستین.....
۲۰۰	انقلاب نوسنگی.....
۲۱۰	جامعه‌های پیش از تاریخ و «سرشت انسان».....
۲۱۲	انقلاب شهرنشینی.....
۲۱۸	پرخاشجویی در فرهنگ‌های ابتدایی.....
۲۱۹	تحلیل سی قبیله‌ی ابتدایی.....
۲۲۰	نظام الف: جامعه‌های اثبات‌گر زندگی.....
۲۲۱	نظام ب: جامعه‌های پرخاشجو - غیر ویرانساز.....
۲۲۱	نظام ج: جامعه‌های ویرانساز.....
۲۲۱	نمونه‌های سه نظام.....

پیشگفتار

بررسی حاضر نخستین مجلد از اثری جامع درباره‌ی نظریه‌ی روان‌کاوی است. بررسی پرخاشجویی و ویرانسازی در آغاز اثر از این‌روست که یکی از مسایل بنیادین نظری در روان‌کاوی است و از این گذشته، موج ویرانسازی که جهان را فراگرفته در عمل بیشترین مناسبت را به این بررسی می‌دهد.

شش سال پیش از آغاز کردن کتاب، دشواریهایی را که ممکن بود با آن روبرو شوم بسیار ناچیز می‌شمردم. خیلی زود آشکار شد که چنانچه در محدوده‌ی میدان اصلی توانش خویش، یعنی روان‌کاوی، باقی بمانم، در مورد ویرانسازی انسان به گونه‌ای مناسب نمی‌توان نوشت. این پژوهش در همان حال که پیش از هرچیز پژوهشی روان‌کاوانه دانسته می‌شود، در دیگر میدان‌ها به ویژه فیزیولوژی اعصاب، روان‌شناسی جانوری، دیرین‌شناسی و انسان‌شناسی نیز به اندک دانشی نیازمند است تا از تنگ نظری بیش از اندازه و همچنین از آشفته ساختن محدوده‌ی موضوع، دوری شود. دست کم می‌بایست بتوانیم نتیجه‌گیری‌های خود را با داده‌های اصلی دیگر رشته‌ها بررسی کنیم تا مطمئن شویم که فرضیه‌های من آنها را نقض نمی‌کند و معلوم شود، همچنان که امید داشتیم، فرضیه مرا تأیید می‌کند.

چون هیچ نوشته‌ای وجود نداشت که یافته‌های همه‌ی این رشته‌ها را درباره‌ی پرخاشجویی گزارش داده و یگانه سازد یا حتی در رشته‌ای مشخص خلاصه‌شان کند، مجبور شدم خود به چنین کوششی بپردازم. به گمان من، این تلاش با ارائه‌ی امکان

سهیم شدن خوانندگان در نگرش همه جانبه‌ای نسبت به مسأله‌ی ویرانسازی است. بیش از نظریه‌های که از موضع رشته‌های واحد ارائه گردد، به آن کمک خواهد کرد. روشن است در چنین تلاشی دام‌های بسیار وجود دارد. آشکار است که نمی‌توانستم در همه‌ی این رشته‌ها صلاحیت یابم - و کمتر از همه، در رشته‌های که با دانشی ناچیز از آن آغاز کرده بودم: علم اعصاب. در این رشته نه تنها با مطالعه‌ی شخصی، که به لطف دانشمندان علم اعصاب نیز، اندک دانشی به دست آوردم، تنی چند از آنان مرا راهنمایی کرده و به پرسش‌های بسیارم پاسخ گفتند و گروهی دیگر بخش مربوط به دستنوشته را مطالعه کردند. هرچند متخصصان مشاهده می‌کنند که در رشته‌های خاص خودشان چیز تازه‌ای برای ارائه به آنان ندارم، احتمال دارد از این فرصت برای آشنایی بیشتر با داده‌های دیگر قلمروها درباره‌ی موضوعی که از چنان اهمیت اساسی برخوردار است، استقبال کنند.

تکرار و اشتراک مطالب با نوشته‌های پیشین من مشکلی حل نشدنی است. بیش از سی سال است که درباره‌ی مسایل انسان کار می‌کنم و در این فرایند در همان عین که متوجه قلمروهای تازه‌ای می‌شوم، بینش خود را نسبت به قلمروهای پیشین گسترش داده و ژرفتر می‌سازم. احتمالاً بدون ارائه‌ی اندیشه‌هایی درباره‌ی مفهوم‌های نوینی که این کتاب به آنها می‌پردازد، درباره‌ی ویرانسازی انسانی نمی‌توان نوشت. سعی من بر این بوده که - با ارجاع بحث‌های مفصل‌تر به نوشته‌های منتشر شده‌ی پیشین - تکرار را به کمترین میزان ممکن برسانم؛ لیکن با این همه، تکرار اجتناب‌ناپذیر بوده است، کتاب قلب انسان از این جهت حالت ویژه‌ای دارد. هسته بعضی یافته‌های تازه‌ی من درباره‌ی مرگ دوستی - زیست دوستی در این کتاب آمده است. ارائه‌ی این یافته‌ها هم از لحاظ نظری و هم با توجه به شرح‌های بالینی در کتاب حاضر بسیار بسط داده شده است. درباره‌ی تفاوت‌های معینی بین نظریات بیان شده در این اثر با نوشته‌های پیشین بحثی نکرده‌ام، زیرا چنین بحثی جای زیادی را می‌گرفت و برای بسیاری از خوانندگان چندان جذابیتی نداشت.

تنها وظیفه‌ی مفترح ابراز تشکر از کسانی است که مرا در نوشتن این کتاب یاری داده‌اند.

مایلم از دکتر ژروم برامس به خاطر کمک در توضیح نظری مسایل مربوط به رفتار گرای و برای همیاری خستگی ناپذیرش در جستجوی نوشته‌های مربوطه بسیار تشکر کنم.

از دکتر خوان دودیوز هرناندز برای کمک در تسهیل بررسی فیزیولوژی اعصاب بسیار

سپاسگزارم. وی طی ساعت‌ها بحث، بسیاری مسایل را توضیح داده، مرا با نوشته‌های بسیار زیاد در این زمینه آشنا کرده، و درباره‌ی بخش‌هایی از دست‌نوشته که به مسایل مربوط به فیزیولوژی اعصاب پرداخته، راهنمایی کرد.

از دانشمندان علم اعصاب که گاه با گفتگوهای شخصی مفصل و نامه مرا یاری دادند بسیار متشکرم: دکتر رایول هراندز پئون فقید، دکتر رابرت لیوینگستن، دکتر رابرت هیث، دکتر هاینتس فن فورستر، دکتر تنودور ملنچوک که بخش‌های فیزیولوژی اعصاب در دست‌نوشته را نیز خواندند. همچنین ترتیب جلسه‌ای با اعضای برنامه‌ی پژوهش علوم اعصاب در موسسه‌ی تکنولوژی ماسوچوست را دادند مرهون دکتر فرانسیس اشمیت می‌دانم که در آن جلسه اعضا به بحث درباره‌ی پرسش‌هایی پرداختند که من برایشان مطرح ساختم. از آلبرت شپیر که در گفتگو و مکاتبه، در قوام‌بخشی تصویر هیتلر بسیار سودمند واقع شد، متشکرم. همچنین مرهون رابرت کمپنر هستم که به عنوان یکی از دادیاران امریکایی محاکمه نورنبرگ اطلاعاتی گردآورده بود.

از دکتر دیوید شکتر، دکتر مایکل مکوبی، و گرت رود هونزیکر فروم نیز به خاطر خواندن دست‌نوشته و پیشنهادهای سازنده و انتقادی و ارزشمندشان تشکر می‌کنم؛ از دکتر ایوان ایلچ و دکتر رامون زایرانو به خاطر پیشنهادهای سودمندشان در موضوع‌های فلسفی؛ از دکتر میسن به خاطر اظهار نظرهایش در رشته‌ی روان‌شناسی جانوری؛ از دکتر هلموث دوترا به خاطر اظهارات سودمندش درباره‌ی مسایل دیرین‌شناسی؛ از ماکس هونزیکر برای پیشنهادهای سودمندش در مورد سورریالیسم، و از هاینتس براندت به خاطر پیشنهادها و اطلاعات روشنگرش درباره‌ی اعمال وحشت‌نازی سپاسگزارم. با تشکر از دکتر کالینکویتس به خاطر علاقه‌ی تشویق‌گر و فعالی که به این نوشته ابراز داشت. همچنین از دکتر ایلچ و دوشیزه والتینا بورسمن به خاطر همیاری‌شان در استفاده از امکانات کتاب‌شناسی مرکز اسناد فرهنگی بین‌المللی در کوثرناواکای مکزیک، تشکر می‌کنم.

با استفاده از این فرصت می‌خواهم سپاسگزاری خود را از خانم بناتریس میر ابراز کنم که طی بیست سال گذشته نه تنها نسخه‌های دست‌نوشته‌هایم، از جمله نوشته‌ی حاضر، را بارها ماشین کرد و با حساسیت بسیار و درک و جدیت به ویرایش آنها از لحاظ زبانی پرداخت و پیشنهادهای ارزشمند بسیاری ارائه کرد.

با تشکر تصدیق می‌کنم طی ماه‌هایی که در خارج از کشور بودم، خانم جون هیوز با شایستگی بسیار و به گونه‌ای سودمند از دست‌نوشته مراقبت کرده است.